

بررسی نسبت تعداد حکومت‌های شام با میزان پیروزی مسلمانان در جنگ‌های صلیبی از سال ۴۹۰ق تا ۵۶۹ق

Mahdi_550bc@yahoo.com

مهدی محمدی قناتغستانی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه شیراز

دریافت: ۱۳۹۳/۱/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۰

چکیده

تعدد حکومت‌های اسلامی در منطقه شام در آستانه حمله صلیبیان، موجب تضعیف قوای مسلمانان شد و در نتیجه، نتوانستند به صورت قابل توجهی در برابر یورش اولیه صلیبیان مقاومت کنند. این تشتت سیاسی با درگیری‌های زیادی بین حکومت‌های اسلامی همراه بود و از این رو، با گذشت زمان، حکومت‌های کوچک فرسوده شد و توسط رقیبان از بین رفت و سرانجام، در سال ۵۲۱ق با تأسیس حکومت اتابکان زنگی در موصل، زمینه اتحاد منطقه در برابر صلیبیان فراهم شد.

با کمتر شدن حکومت‌های مسلمان منطقه و یکپارچگی سیاسی، تعداد پیروزی‌های مسلمانان بر صلیبیان نیز بیشتر گردید. در واقع، می‌توان بین تعداد حکومت‌های شام و پیروزی مسلمانان در مقابل صلیبیان، رابطه‌ای معنادار یافت؛ بدین سان که هر قدر تعداد حکومت‌های این منطقه بیشتر، تعداد پیروزی مسلمانان کمتر بود و بعکس هر قدر تعداد حکومت‌ها کمتر، تعداد پیروزی‌ها بیشتر بود.

تحقیق این مقاله بر اساس کاربرد علم آمار در تاریخ‌نگاری (Cliometrics) صورت گرفته که طی آن، داده‌های آماری بر یک بستر زمانی ارزیابی می‌شود و دیگر عوامل مؤثر در پیروزی یا شکست مسلمانان در برابر صلیبیان، در اینجا مدنظر نیست.

کلیدواژه‌ها: جنگ‌های صلیبی، شام، حکومت‌های محلی، آمار در تاریخ (کیلومتریک)، پیروزی مسلمانان.

مقدمه

بازه زمانی این پژوهش از ابتدای حمله صلیبیان تا پایان حکومت نورالدین محمود زنگی را شامل می‌شود. در این دوره ۷۹ ساله، مسلمانان شام، هم تشتت سیاسی شدید و هم یکپارچگی شام با مصر و جزیره را تجربه کردند. اما آنچه در اولین تماس مسلمانان با صلیبیان روی داد آن بود که ضعف مسلمانان این فرصت را در اختیار صلیبیان قرار داد تا حکومتی در سواحل پایه‌ریزی کنند که قریب ۲۰۰ سال در سرزمین‌های اسلامی باقی بماند. این امر تا حد زیادی به سبب تشتت سیاسی منطقه شام بود؛ تشتتی که ورود سلجوقیان آن را تشدید کرده بود.

در آستانه ورود سلجوقیان به منطقه شام، این سرزمین در کشاکشی بین قوای فاطمی، بیزانس و قبایل عرب قرار گرفته و فاقد حکومتی منسجم و مرکزی بود. ورود سلجوقیان به این سرزمین همراه با ورود قبایل ترک و ترکمن بود که موجب تقویت نیروی گریز از مرکز این سرزمین گردید. ورود این قبایل و فرماندهان نظامی، حکومت‌های شام را به سه دسته کلی تقسیم نمود: فاطمیان، قبایل عرب، و حکومت‌های وابسته به سلجوقیان.

امیران سلجوقی که از طرف سلطان بزرگ به امارت شهرهای شام گمارده شدند، غالباً با یکدیگر دشمنی و رقابت داشتند. سلاطین سلجوقی نیز تلاشی در جهت یکپارچه نمودن اوضاع سیاسی آن نکردند و یا حتی در تعیین حکام متعارض نیز تعمد داشتند. این امر موجب گردید قلمرو سلجوقیان در شامات عملاً به دو منطقه متخاصم شمالی، به رهبری حلب و جنوبی، به رهبری دمشق تقسیم شود. گروه شمالی به رهبری قسیم‌الدوله آق سنقر، و گروه جنوبی به رهبری تش‌بن‌آلب ارسلان به رقابت پرداختند که سرانجام، تش توانست رقبای خود را حذف کند. حاصل این کار تنها تفرقه بیشتر در قدرت حاکم بر منطقه بود. حکومت تش پس از وی، به دو قسمت تقسیم شد و از بقایای آن در دمشق، «آل بوری» سر برآورد و در شمال، مدتی «ارتقیان» بر حلب حکومت کردند و پس از آنها، حکام موصل به دست‌اندازی در شام پرداختند.

با تضعیف خلافت فاطمی در مصر، تسلط فاطمیان بر مناطق تحت حاکمیتشان در شام نیز کم شد. «بنی‌عمار» در طرابلس از جمله حکومت‌هایی بود که به ظاهر تحت تابعیت مصر بود، ولی مستقلاً حکمرانی می‌کرد. «بنی‌منقذ» در شیزر نیز با رعایت صلح چندجانبه، توانستند مدتی نسبتاً طولانی در منطقه کوچک شیزر حکمرانی کنند. بدین سان، منطقه شام در آستانه تهاجم صلیبیان تقریباً در اوج تشتت قرار داشت.

همین امر موجب گردید فتوحات آنها در مرزهای اسلامی به راحتی صورت پذیرد و قوای منسجمی از سوی مسلمانان به مقابله با آنها نپردازد. از این رو، طی قریب سی سال اول ورود صلیبیان به شام، بیشتر پیروزی‌ها از آنها بود. در سال‌های اولیه جنگ‌های صلیبی، قوای شوالیه صلیبی با روحیه جنگاوری، در پی تثبیت موقعیت خود و کسب غنایم، مبارزات زیادی علیه مسلمانان شام انجام دادند. اما چون حکومت یکپارچه‌ای در منطقه نبود، بیشتر پیروزی‌ها نیز از آن صلیبیان بود. ادامه روند چیرگی صلیبیان بر مسلمانان منجر به حذف دولت‌های کوچک منطقه شد. این امر گرچه در برخی مواقع، پایگاه‌های مستحکمی برای صلیبیان ایجاد نمود (مانند طرابلس)، ولی خود موجب تضعیف فضای هرج و مرج گردید. در این حال، شرایط برای قدرتی نوظهور از سوی مسلمانان فراهم شد که بتواند منطقه را متحد نماید. این قدرت جدید، «تابکان زنگی» بودند.

با قدرت‌گیری عمادالدین زنگی در موصل و لشکرکشی وی به شمال شام، روند حذف دولت‌های کوچک‌تر تسریع گردید و زنگیان توانستند مناطق گوناگون شام را تصرف نموده، قدرتی یک‌پارچه در منطقه ایجاد نمایند. همزمان با قدرت‌گیری زنگیان، پیروزی مسلمانان بر صلیبیان نیز افزایش یافت، تا جایی که در روابط نظامی، پیروزی غالب با مسلمانان بود. در واقع، هر قدر توسعه سیاسی و نظامی زنگیان بیشتر می‌گردید از تعداد حکومت‌های شام نیز کاسته می‌شد و پیروزی‌های مسلمانان توسعه بیشتر می‌یافت. با توجه به مطالب یاد شده، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است: بین تعداد حکومت‌های اسلامی و پیروزی‌های آنها بر صلیبیان چه رابطه‌ای برقرار است؟

فرض بر این است که هر قدر تعداد حکومت‌های اسلامی بیشتر باشد پیروزی مسلمانان بر صلیبیان کمتر است و به تدریج، هر چه از تعدد این حکومت‌ها کم می‌شود پیروزی‌های بیشتری نسبت به مسلمانان می‌گردد. در نتیجه، بین تعداد حکومت‌ها و تعداد پیروزی مسلمانان رابطه‌ای معکوس وجود دارد.

برای اثبات این فرضیه، ابتدا حکومت‌های شام در بدو حمله صلیبیان بررسی می‌شود و سپس با بررسی «کرونولوژیک» نبردهای مسلمانان و صلیبیان در بازه زمانی ۴۹۰ق تا ۵۶۹ق مطالعه خواهد شد. سپس به صورت آماری، با تعداد حکومت‌های منطقه تطبیق خواهد شد. در اینجا، مراد از «نبرد» هر شکلی از لشکرکشی است که منجر به خسارتی به دو طرف شده و سه حالت نیز برای آن متصور است: پیروزی، شکست، و نبردهای بی‌نتیجه. منظور از «نبردهای بی‌نتیجه» آن قسم نبردهایی است که هیچ‌یک از دو طرف غالب نشد و گاهی نیز جزو شکست‌ها محسوب شده که طرف مقدم در لشکرکشی، در نیل به اهداف خود ناکام مانده است.

بررسی‌های آماری در تاریخ، از پژوهش‌های جدید به شمار آمده، غالباً رویکرد اقتصادی دارند. اما می‌توان از آنها در هر جایی استفاده نمود که اعداد و ارتباط معناداری بین آنها در اختیار مورخ باشد. در این پژوهش، نویسنده در پی یافتن ارتباط معناداری بین تعداد پیروزی‌های مسلمانان و تعداد حکومت‌های آنها در شام است تا از این طریق، بتواند فرضیه خود را در ضعف مسلمانان هنگام ورود صلیبیان تأیید نماید. مشخصاً نویسنده تا جایی که اطلاع دارد، از این روش تاکنون در مسائل سیاسی جنگ‌های صلیبی در بین پژوهشگران ایرانی و عرب‌زبان استفاده نشده است و اولین پژوهش از این دست محسوب می‌شود. منابع موردنیاز این پژوهش غالباً منابع دسته اول بوده‌اند؛ چراکه اطلاعات خام درباره سال‌های حکومت دولت‌های مسلمان و محدوده آنها و نیز نبردهای آنها با صلیبیان را باید از منابع دسته اول استخراج نمود. از این رو، در این تحقیق، به پژوهش کمتر توجه شده و برای مثال—در جایی که دسترسی به منابع دست اول اروپایی میسر نبوده و یا مورخی دسته‌بندی صریحی ارائه داده، از پژوهش‌ها استفاده شده است.

برای تأیید این فرضیه، ابتدا منطقه شام در آستانه جنگ‌های صلیبی بررسی گردیده و سپس حکومت‌های شام تا سال ۵۶۹ق مطالعه شده است. پس از بیان شرایط سیاسی شام، نبردهای مسلمانان و صلیبیان بررسی شده است تا از این طریق، به ارتباط معنادار بین تعداد حکومت‌ها و میزان پیروزی‌های مسلمانان بر صلیبیان پی برده شود.

شام در آستانه جنگ‌های صلیبی

حمله لشکر شوالیه‌های جنگ اول صلیبی به مرزهای اسلامی شام، از سال ۱۰۹۶م/۴۸۸ق شروع شد و موجب گردید اولین و بزرگ‌ترین حکومت صلیبی در منطقه تشکیل شود (صلاهی، ۲۰۰۶، ص ۵۰۰). حمله اول صلیبی—لشکرکشی شوالیه‌ها—به شام از مناطق جنوبی آسیای صغیر به شام صورت گرفت که با فتح «تل باشر» و قلعه «راوندان»، فتوحات صلیبیان در شام آغاز شد. «تل باشر» دژی استوار و خوره‌ای گسترده در شمال حلب است که با حلب دو روز فاصله دارد. مردمانش مسیحی ارمنی‌اند و بیرونی بزرگی با بازارهای آباد و پرجمعیت دارد (حموی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۰). «راوندان» نیز دژی استوار و خوره‌ای خوش آب و هوا و پرچمن و پردرخت از بخش‌های حلب است (حموی، ۱۹۹۵م، ج ۳، ص ۱۹).

ثوروس (Thoros) فرمانروای شهر ارمنی «رها» (شهری در جزیره، میان موصل و شام با فاصله شش فرسنگ) (حموی، ۱۹۹۶م، ج ۳، ص ۱۰۶) صلیبیان را برای فتح آن شهر دعوت کرد، ولی فرمانده صلیبی «بالدوین»

در توطئه‌ای، ثوروس را به قتل رساندند و «رها» در سال ۱۰۹۷م/ ۴۹۱ق به تصرف صلیبیان درآمد (عودی، ۱۳۸۷، ص ۸۰). پس از آن، رها در دست صلیبیان بود تا عمادالدین آن را فتح کرد. سپس صلیبیان به سمت جنوب سرازیر شدند و به فتوحات در نواحی ساحلی شام پرداختند. شهرهای انطاکیه، طرابلس و سرانجام، بیت‌المقدس — به ترتیب — به دست صلیبیان افتاد و بدین‌سان، دولت‌های صلیبی در شام تشکیل گردید. حکومت صلیبیان در شام، به چهار منطقه لاتینی تقسیم شد: ۱. رها در شمال فرات، ۲. انطاکیه در شمال شام، ۳. طرابلس در ساحل شام، و ۴. حکومت بیت‌المقدس در قلب فلسطین، به اضافه کنت‌نشینان بزرگ صیدا، یافا، عسقلان و جلیل و دوازده اقطاع که صاحبان‌شان آنها را از حاکم بیت‌المقدس به اقطاع گرفته بودند؛ مانند *ار سوف*، *حبرون*، *الدروم*، *قیصریه*، و *نابلس* (صلابی، ۲۰۰۶، ص ۵۰۰). علت اصلی پیروزی صلیبیان و شکل‌گیری دولت‌های آنها و بقای آن، نبود همکاری بین دولت‌های شام و مصر و عدم تطابق دینی آنها بود. این تفکیک سیاسی موجب پیروزی صلیبیان گردید (بارکر، بی‌تا، ص ۴۸؛ احمد عوض، ۲۰۰۰م، ص ۱۵۵).

فتح شهرهای رها و بیت‌المقدس تأثیر زیادی بر مسلمانان منطقه گذاشت و سبب به‌وجود آمدن حرکت‌های جهادی علیه صلیبیان در شام شد (عاشور، بی‌تا، ص ۱۱). این حرکت‌های جهادی عناصر غیرعرب را به شرق میانه اسلامی، به‌ویژه سرزمین‌های شام برای جهاد با صلیبیان وارد کرد. از جمله این عناصر، ترک‌ها، کردها و ترکمانان بودند و بعداً در منطقه شام، عامل مهمی در جنگ‌های بعدی علیه صلیبیان شدند (شبارو، ۱۹۹۴م، ص ۱۲۶).

در این میان، موقعیت حکومت‌های اسلامی شام چندان مناسب نبود. با شروع فتوحات سلطان ملک‌شاه سلجوقی در شام از سال ۴۷۹ق، تعدادی از فرماندهان عالی‌رتبه وی در شهرهای این منطقه ساکن شدند (ر.ک: الغزی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۶۸). این فرماندهان عبارت بودند از: *قسیم‌الدوله آق سنقر* در حلب، *امیر بوزان* در رها و *امیر یاغیسیان* در انطاکیه. این حکام به‌ظاهر تابع تنش بودند، اما غالباً در تعارض با وی عمل می‌کردند. قرار دادن این افراد در این منطقه از سوی سلطان ملک‌شاه تا حدی نیز به این سبب بود که مانع قدرت‌گیری تنش در شام شوند (ضامن، ۱۹۸۸م، ص ۱۹۱). از میان این سه امیر، تنها *یاغیسیان* با تنش رابطه‌ای خوب داشت و توانست تا سال ۴۹۱ق، حکومت خود را حفظ نماید. دو حاکم دیگر در نبرد سال ۴۸۷ق به دست تنش کشته شدند (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۶).

تنش‌بن آلبرسلان، حاکم سلجوقی شام، در دوران حکومت خود (۴۷۱-۴۸۸ق) تمام هم‌خود را صرف مبارزه با رقبای سلجوقی خود مانند *قسیم‌الدوله آق سنقر* نمود و سرانجام توانست در سال ۴۹۷ق

رقیبان شمالی خود را از میان بردارد (همان). این امر، شروع جنگ‌های فرسایشی شام در زمان سلجوقیان بود. پس از مرگ تنش‌بن آلبرسلان در سال ۴۸۸ق (بنداری، ۲۵۳۶، ص ۹۶) سرزمین وی بین دو فرزندش تقسیم شد و مبارزه‌ای طولانی بین دو شهر مهم حلب و دمشق به‌وجود آورد. حلب ۲۳ سال در دست فرزندان تنش ماند و پس از آن، بین ملوک «ارتقی» و حکام جزیره دست‌به‌دست می‌شد (ابن‌عدیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۴). دمشق نیز تنها نه سال پس از مرگ تنش در دست فرزند وی، *دقاق* ماند. در سال ۴۹۷ق *اتابک طغتنگین* حکومت دمشق را در دست گرفت (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۳۰۵). حکومتی که در زمان فرزند وی به «آل بوری» معروف گردید و تا سال ۵۴۹ق دوام آورد (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۷۲).

سلطین سلجوقی نیز هر از گاهی مستقیم یا از طریق حکام خود در موصل و جزیره به دخالت در امور شام پرداختند که موجب دست‌بندی حکومت‌های شام علیه آنها گردید. این امر او ضاع را بیش از پیش آشفتگی کرد (ر.ک: الغزی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۶۸). حکومت‌های محلی کوچک مانند طرابلس و شیزر نیز تنها با در دست داشتن منطقه‌ای کوچک و راهبردی روزگار می‌گذراندند و مانعی دیگر در پیوستگی سیاسی در شام بودند. این امر موجب گردید شهر راهبردی طرابلس بتواند تنها سیزده سال در کنار صلیبیان دوام آورد و در سال ۵۰۳ق به کنت‌نشین مهم صلیبی تبدیل شود و تا دیر هنگام، در منطقه پابرجا باشد.

در این مدت، جنگ‌هایی علیه حکومت‌های صلیبی از طرف حاکمان اسلامی شکل گرفت. در شمال، «آل ارتق» به فرمان‌دهی دو برادر *ایلیغازی* و *سکمان*، جنگ‌هایی علیه صلیبیان در رها و انطاکیه انجام دادند (بارکر، بی‌تا، ص ۴۹). در جنوب، در طرابلس و سرزمین‌های بیت‌المقدس، حکومت *سلاجقه* و بعداً «آل بوری» حملاتی به صلیبیان نمودند؛ مانند حملات آنها به طرابلس و نبردهایشان با *فلوک*، شاه بیت‌المقدس و *ریموند دوم* (الحریری، ۱۳۷۱، ص ۷۶؛ ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۰؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ص ۱۸). این دولت‌ها تا پیش از تشکیل دولت زنگیان و آل بوری بیشترین نقش را در جنگ با صلیبیان به عهده داشتند.

اتابکان موصل نیز نبردهایی با صلیبیان داشتند؛ مانند حملات *مودود*، *اتابک موصل*، در سال ۵۰۶ق به عکا («عکا» نام موضعی غیر از عکه بر ساحل شام است) (ابن‌عبدالحق بغدادی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۵۲؛ حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۱۴۱). اما به‌سبب برخی مشکلات در شرق و دوام نیافتن زیاد در قدرت نتوانستند به صورت یک‌پارچه و منسجم به جهاد علیه صلیبیان بپردازند.

تعداد حکومت‌های شام از ۴۹۰ق تا ۵۶۹ق

از شروع جنگ‌های صلیبی در جهان اسلام، که با حمله صلیبیان به منطقه شام در سال ۴۹۱ق و تسخیر انطاکیه آغاز گردید، تا زمانی که مسلمانان توانستند حکومتی یک‌پارچه در منطقه ایجاد نمایند (سال ۵۵۲ق) تعداد ده حکومت در شام فرمان‌روایی کردند. از این تعداد، پنج حکومت شامی و دو حکومت غیر شامی (حکام موصل و خلافت فاطمی مصر) همزمان با ورود صلیبیان به منطقه وجود داشتند. این امر موجب تجزیه قدرت مسلمانان گردید و از این رو، ضربات سختی به مسلمانان وارد آمد. تضعیف قدرت از ناحیه صلیبیان و درگیری حکومت‌های اسلامی با یکدیگر موجب گردید که اولاً، حکومت صلیبیان در منطقه تثبیت شود و ثانیاً، حکومت‌های کوچک منطقه با نبردهای فرسایشی به تدریج، حذف شده، شرایط برای حکومتی قوی و متمرکز فراهم آورند.

ردیف	نام حکومت	سال آغاز (ق. هـ)	سال پایان (ق. هـ)	مدت حکومت
۱	سلجوقیان شام (حلب)	۴۸۸	۵۱۱	۲۳ سال
۲	سلجوقیان شام (دمشق)	۴۸۸	۴۹۷	۹ سال
۳	امیر یاغیسیان	۴۷۹	۴۹۱	۱۲ سال
۴	آل بوری	۴۹۷	۵۴۹	۵۲ سال
۵	ارتقیان حلب	۵۱۱	۵۱۹	۸ سال
۶	حکام موصل	۴۷۷	۵۲۱	۴۴ سال
۷	اتابکان زنگی	۵۲۱	۵۶۹	۴۸ سال
۸	بنی مقذ	۴۷۴	۵۵۲	۷۸ سال
۹	بنی عمار	۴۶۲	۵۰۲	۴۰ سال
۱۰	خلافت فاطمی	۳۵۸ (حضور در شام)	۵۶۷	۲۰۹ سال

جدول (۱): حکومت‌های شام از ۴۸۸ق تا ۵۶۷ق

در ادامه، به اختصار، حکومت‌های شام را از سال ۴۹۱ق تا ۵۶۹ق بررسی می‌کنیم:

الف. امیر یاغیسیان

وی در سال ۴۷۹ به همراه سایر امیران بزرگ سلجوقی، قسیم‌الدوله آق‌سنقر و امیر بوزان، از طرف سلطان ملکشاه به شام فرستاده شد (ر.ک: الغزی، ۱۹۱۴ق، ج ۳، ص ۶۸) و حکومت انطاکیه را در دست گرفت. قرار دادن این افراد در این منطقه، از سوی سلطان ملکشاه احتمالاً تا حدی به این سبب بود که مانع قدرت‌گیری تتش در شام شود (ضامن، ۱۹۸۸م، ص ۱۹۱). اما امیر یاغیسیان برخلاف دو امیر دیگر، روابطی دوستانه با تتش داشت و پس از شکست وی از برکیارق، مدتی پذیرای او بود. این روابط خوب در زمان به حکومت رسیدن فرزند تتش، رضوان، نیز ادامه داشت؛ اما امیر انطاکیه تجزیه قدرت

سلجوقیان شام را برای بقای حکومت خود مفید می‌دانست. از این رو، چندان تلاشی برای اتحاد دو فرزند تتش ننمود. علاوه بر آن، خود نیز سرزمینی محدود و راهبردی در دست داشت و لطماتی که بیژانس در «ملازگرد» از او دیده بود، وی را از حمله رومیان مصون نگه می‌داشت.

این فقدان قدرت مرکزی در شام تا زمانی برای یاغیسیان مفید بود که درگیر مبارزه با قوای شوالیه‌های صلیبی نشده بود. اما هنگام حمله این نیروها به انطاکیه در سال ۴۹۱ق (ابن قلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۲۰)، حکومت‌های شام اقدام عاجلی برای حمایت از وی به عمل نیاوردند؛ چراکه آنها نیز شاهد حذف یک رقیب از صحنه قدرت بودند. گذشته از آن، نبود قدرت مرکزی در سراسر شام موجب شد تا فراخوان نیرو با تأخیر انجام شود و نیروهایی که پس از فتح این شهر به رهبری کریوقا برای بازستاندن آن گرد آمده بودند، به سبب خصومت‌های شخصی با یکدیگر، بدون جنگ میدان را خالی گذارند (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۲۷۶).

ب. سلجوقیان شام، شاخه حلب

رضوان، پسر بزرگ‌تر تتش بن‌آلب ارسلان بود و هنگامیکه پدر خود را از دست داد، حلب را تحت اختیار گرفت (ابن قلانسی، ۱۹۸۳، ص ۲۱۲؛ ابن عدیم، بی تا، ج ۸، ص ۳۶۶). وی چندی بعد با برادر کوچک‌تر خود دقاق دچار اختلافاتی شد و دقاق در دمشق حکومتی مجزا تشکیل داد (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۷، ص ۳۰۴). غالباً روابط خصمانه‌ای بین دو برادر حاکم بود، تا جایی که در سال ۴۹۰ق بین دو برادر نبردی واقع شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۲۶۹). رضوان نزدیک‌ترین حاکم به انطاکیه بود و ارتباط دوستانه‌ای با یاغیسیان حاکم آنجا داشت، اما هنگام محاصره این شهر به دست صلیبیان، اقدامی برای دفاع از آن نکرد و حتی در سپاهی که از موصل برای مقابله با صلیبیان فرستاده شده بود، چندان ایستادگی ننمود.

رضوان سیاستی در قبال صلیبیان در پیش گرفته بود که با دادن باج و آرام نگه داشتن آنها منطقه تحت حکومت خود را از تهاجمات آنها مصون بدارد. روابط خوب رضوان با صلیبیان تا جایی بود که نقشه‌های نظامی مسلمانان را برای آنها فاش می‌نمود (همان، ص ۴۶۵) و حتی به از میان برداشتن رقبایی اقدام کرد که مقابل صلیبیان می‌جنگیدند (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۳۴۶). رضوان به عنوان حاکم مهم منطقه شمالی شام، نبرد مهمی با صلیبیان ترتیب نداد و در مهم‌ترین کار خود، در سال ۴۹۸ق، هنگام محاصره «ارتاح» از دست صلیبیان به شدت شکست خورد (ابن قلانسی، ۱۹۸۳، ص ۲۳۹) و این قلعه تا سال ۵۴۲ق در دست صلیبیان باقی ماند (ابن عماد، ۱۹۸۶م، ج ۶، ص ۲۱۳).

طغتنگین، بوری، است، اما در واقع، بزرگ‌ترین حاکم این خاندان ظهیرالدین طغتنگین بود. وی سلسله‌ای نسبتاً بادوام در نیمه جنوبی شام تأسیس نمود که از سال ۴۹۷ق تا ۵۴۹ق برقرار بود. وی در چندین مرتبه، به صورت موفقیت‌آمیزی به مقابله با صلیبیان پرداخته بود، اما درگیری‌های وی با حکومت‌های شمال شام و اضطراب وی از سوی حکومت‌های جزیره و مشرق، مانع آن شد که سایر مناطق را تحت نفوذ خود درآورد.

جانشینان طغتنگین لیاقت کمتری از خود نشان دادند و هنگامی که دولت اتابکان زنگی تشکیل شد، تنها تلاش آنها حفظ بقای خود در برابر توسعه‌طلبی زنگیان بود. از این رو، حکومتی که از سال ۴۹۷ق به‌عنوان غازی و جهادگر در شام مطرح بود، از سال ۵۲۳ق فقط موجب انفکاک شامات به دو قسمت شمالی و جنوبی گردید و حتی مانع از آن شد که اتابکان زنگی برای حفظ مصر و عملیات نظامی، از جنوب شام اقدام نمایند (ر.ک: باسورث، ۱۳۸۱، ص ۳۶۶).

و. ارتقیان حلب

فرزندان ارتق - ایلغازی و سکمان - با وجود اختلافات داخلی، پرونده درخشانی در جنگ با صلیبیان از خود برجای گذاشته‌اند. از این رو، پیش از فوت سلطان‌شاه‌بن رضوان، تنها کسانی که می‌توانستند مردم حلب را از دست صلیبیان نجات دهند «ارتقیان» بودند. در آغاز تصرف این شهر به دست ایلغازی در سال ۵۱۱ق، مقصود مردم حلب برآورده شد. پیروزی ایلغازی در سال ۵۱۲ق (ابن عدیم، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۸۴) توانست قوای صلیبی از اطراف حلب براند. اما ورود ارتقیان به حلب گذشته از این پیروزی‌های مقطعی، موجب آشفته‌تر شدن اوضاع سیاسی شام گردید. چهار حاکم آن فقط هفت سال حکومت نمودند و در مقاطعی نیز به کشاکش با سایر امرای شام و حکام موصل پرداختند و در این راه، حتی از مصالحه با صلیبیان نیز روی گردان نبودند (ابن عجمی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۰۴).

ز. حکومت بنی‌منقذ در شیزر

حاکمان عرب شیزر از سال ۴۷۴ق، قلعه مستحکم «شیزر» را در دست داشتند و روابط سیاسی خود را به‌گونه‌ای برقرار می‌نمودند که کمترین خصومت را با همسایگان خود داشته باشند؛ اما وجود حکومت محلی در این قلعه فقط موجب انقطاع سرزمینی ملوک قدرتمندتر شام می‌شد. «بنی‌منقذ» طبق سیاست خود، کمتر به رویارویی با صلیبیان پرداختند و هنگام خطر، که از سوی حکومت‌های اسلامی تهدید می‌شدند، به سمت قوای مسیحی گرایش پیدا می‌کردند.

دو حاکم بعد از رضوان در حلب مانند پدر خود، چندان نبوغ نظامی نداشتند و در سال ۵۰۴ق، به تصریح منابع صلیبیان، در اوج قدرت خود بودند (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۴۸۲). آلب ارسلان و سلطان‌شاه‌بن رضوان تا سال ۵۱۱ق بر حلب حکومت نمودند و پس از مرگ سلطان‌شاه، مردم حلب از ترس صلیبیان، این شهر را به ایلغازی بن ارتق تسلیم نمودند (ابن عدیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۴).

ج. سلجوقیان شام، شاخه دمشق

حکومت دقاق و جانشینانش در دمشق کمتر از ده سال بود. در این مدت نیز نسبت به برادر بزرگ‌تر خود، نبردهای بیشتری با صلیبیان انجام داد، گرچه در آن برهه، این شرایط غالب بود که مسلمانان با طرف صلیبی سازش می‌نمودند. مقاومت دقاق در جنوب، به مراتب بیش از برادرش بود. از این رو، توسعه قلمرو صلیبیان در این منطقه نسبت به شمال کمتر بود. وی در سال ۴۹۴ق توانست سپاه صلیبیان را شکست دهد (ابن فلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۲۵). اما در مجموع، محدوده اندک تحت اختیار، مانع آن بود که بتواند به مقدار کافی برای مقابله با صلیبیان مجهز شود.

د. حکومت بنی‌عمار در طرابلس

حکومت طرابلس به‌ظاهر تحت تابعیت فاطمیان مصر بود، ولی در عمل، مستقل عمل می‌کرد. موقعیت ساحلی این شهر برای پیوند تجاری و نظامی با مصر بسیار مناسب بود و ادامه راه‌های تجاری خشکی شام به دریای مدیترانه به‌شمار می‌آمد. از آن نظر که کنت‌نشین‌های صلیبی برای تأمین نیروی نظامی خود به اروپا وابسته بودند، از همان ابتدا در صدد برآمدند تا نوار ساحلی شام را فتح کنند. محاصره طرابلس نیز چندین بار در دستور کار صلیبیان قرار گرفت و سرانجام، در محاصره‌ای طولانی از سمت خشکی و دریا، صلیبیان توانستند این شهر را در سال ۵۰۳ق تسخیر کنند (همان، ص ۲۶۱).

مصر به‌عنوان انبار غله شام، بیشترین ساحل یک‌پارچه را با مدیترانه داشت و از این رو، بیشتر مناطق ساحلی وابسته به خلفای فاطمی بود. بدین‌روی، هنگامی که صلیبیان به این شهرهای ساحلی هجوم بردند اختلاف مذهبی بین شام و مصر موجب گردید تا تلاشی از سوی سایر حکومت‌های شامات برای امدادسانی به طرابلس صورت نگیرد.

ه. آل بوری

طغتنگین اتابک، فرزند دقاق، پس از مرگ او، به‌ظاهر فرزند وی را جانشین نمود، ولی در عمل، خود حکومت را در دست گرفت (ابن عدیم، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۶۲). گرچه این حکومت به نام فرزند

ح. حکام موصل

مهم‌ترین شهر شام در نزدیکی جزیره، حلب بود. این شهر به‌عنوان رابط سرزمین‌های شمال عراق با منطقه شام اهمیت راهبردی زیادی داشت. دولت بیزانس مدت زیادی بر سر این منطقه با فاطمیان کشاکش داشت و سرانجام، رقابت با سلجوقیان در این منطقه، موجب گردید راه سلجوقیان به این سرزمین بازگردد.

حکومت‌های موصل و جزیره پس از مرگ تتش، یکی از قدرت‌های مؤثر در مبادلات سیاسی شام بودند. به سبب فضای آشفته سیاسی و ضعف غالب امرای این منطقه، زمینه دخالت قوای موصل و جزیره در شام فراهم گردید و اولین شهر شام که به‌دست حکام موصل افتاد حلب بود. این شهر از سال ۵۱۸ق در دست حکام حلب بود (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۶۲۳). در سال ۵۲۱ق، عمادالدین زنگی پس از تصرف جزیره، مناطق شمالی شام را تصرف نمود و از آن زمان تا سال ۵۶۹ق، سرزمین شام در تصرف اتابکان زنگی بود (همان، ج ۱۱، ص ۴۰۲). نفوذ حاکم جزیره محدود به مناطق شمالی شام نبود، بلکه افراد قدرتمندی همچون مودودبن‌التونگین حتی به دمشق نیز لشکرکشی کردند (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳، ص ۲۹۸). از این رو، مناسبات سیاسی شام بدون توجه به اوضاع سیاسی جزیره میسر نیست. آشفته‌گی‌های این منطقه در عزل و نصب حکام به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر حکومت‌های شام تأثیر داشته است. از سال ۵۱۸ق تا سال ۵۲۰ق، حلب جزو حکومت فرمانروایان موصل بود. از سال ۵۲۱ق تا سال ۵۶۹ق هم به صورت کاملاً واضح، جزو حکومت اتابکان زنگی بود که تمامی شام و جزیره را در اختیار داشتند.

ط. اتابکان زنگی

عمادالدین زنگی فرزند امیر قسیم‌الدوله آق سنقر بود که در سال ۴۸ق به‌دست تتش کشته شد (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۶). فرزند وی، عمادالدین، در کنار هم‌زمان پدرش در موصل بزرگ شد و از قبل شرکت در لشکرکشی‌های زیاد حکام موصل، هم به منطقه شام و جزیره آشنا شد، هم در امور نظامی چیره‌دست گردید. وی با تشکیل گروه طرف‌داران سیاسی قوی در دربار سلجوقیان، توانست در سال ۵۲۱ق حکومت موصل و شام را به‌دست گیرد (ابن‌اثیر، بی‌تا، ص ۳۵). هنگامی که این سردار توانمند به حکومت این خطه رسید، حکومت‌های شام در اثر کشاکش‌های مستمر با یکدیگر و صلیبیان، تضعیف شده بودند. از این رو، عمادالدین توانست به تدریج، به حذف دولت‌های مزبور بپردازد. حکومت وی بیست سال ادامه یافت و در این زمان، به آن میزان ثبات رسیده بود که بدون تنش، حکومت وی به

فرزندش سیف‌الدین منتقل گردد (همان، ص ۸۵). در این مدت، برادر کوچک سیف‌الدین، نورالدین غازی، تحت تابعیت برادرش، حکومت شام را در دست داشت (ابن‌واصل، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۵۲). پس از مرگ سیف‌الدین، نورالدین محمود زنگی توانست حکومت جزیره و شام را در دست بگیرد (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۱۳۹). او همچون پدرش، در فکر حذف حکومت‌های شام بود، اما در این زمان، حکومت‌های مسلمان شام تنها سه حکومت بودند. از این رو، بیشتر تقابل‌ها متعلق به نورالدین با صلیبیان بود. او به تدریج، قدرت خود را در شمال و جنوب شام گسترش داد تا اینکه توانست تنها حکمران مسلمان منطقه باشد (ابن‌شداد، ۱۹۹۴م، ج ۱، ص ۸۲).

ک. خلافت فاطمی

خلافت فاطمی از سال ۳۵۸ق به صورت فعال وارد عرصه سیاسی شام شد (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۸، ص ۵۹۱). ورود فاطمیان به شام با تعارض با دو حکومت بیزانس و سلجوقیان همراه بود. اما با ورود صلیبیان به شام، رقیبی جدید برای فاطمیان در سیاست منطقه به وجود آمد. فاطمیان در چند سال اول تهاجم صلیبیان، سعی نمودند با آنها مقابله نمایند، اما با گذشت زمان، شام را به صلیبیان و بازماندگان سلجوقیان واگذاشتند. اما اهمیت مصر از لحاظ راهبردی و اقتصادی موجب شد حکومت‌های شام همواره به آن چشم طمع داشته باشند و سقوط خلافت فاطمی نیز اساساً در اثر رقابت صلیبیان با اتابکان زنگی بر سر مصر رخ داد.

در ادامه به این نبردها اشاره می‌شود، اما از آن رو، این بازه زمانی ۹۹ نبرد را دربر می‌گیرد، تنها به ذکر نبردها و سال آنها به‌اختصار اکتفا می‌شود: پیروزی صلیبیان بر امیر یاغیسیان در انطاکیه در سال ۴۹۱ق (همان، ج ۱۰، ص ۲۷۲)؛ شکست سپاه متحد اسلامی به رهبری کربوقا حاکم موصل از صلیبیان (همان، ص ۲۷۷)؛ پیروزی معرقبن‌نعمان بر صلیبیان در سال ۴۹۱ (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۲۰)؛ فتح بیت‌المقدس به‌دست صلیبیان و شکست فاطمیان (همان، ص ۲۲۲)؛ شکست سپاه افضل، وزیر فاطمی، برای بازپس گرفتن بیت‌المقدس (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۲۸۷)؛ پیروزی گم‌شتکین امیر دانشمند بر صلیبیان در سال ۴۹۳ق (همان، ص ۳۰۰)؛ نبرد کندفری با یافا و نبرد دقاق با بغدویین در سال ۴۹۴ق (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۲۵)؛ تصرف «سروج» در جزیره از نواحی تحت تسلط جکمرش، حاکم موصل و جزیره به‌دست صلیبیان در سال ۴۹۴ق (همان، ص ۲۲۴)؛ تصرف «قیساریه» از نواحی تحت تسلط رضوان حاکم حلب به‌دست صلیبیان در رجب سال ۴۹۴ق (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۳۲۵)؛ محاصره «بنی‌عمار» در طرابلس در سال ۴۹۵ق به‌دست صلیبیان که در این نبرد، مسلمانان تلفات زیادی

را متحمل شدند (همان، ص ۳۴۴)؛ محاصرهٔ حمص توسط صنجیل در سال ۴۹۵ق و تصرف روستاهای اطرافش به دست صلیبیان (همان)؛ محاصرهٔ شهر فاطمی «عکا» توسط قمص و پیروزی مسلمانان بر ناوگان صلیبی در سال ۴۹۵ق (همان، ص ۳۴۶)؛ پیروزی سپاه فاطمی بر صلیبیان به فرمان‌دهی بودویل (همان)؛ پیروزی سپاه فاطمی به رهبری فرزند/فضل بر سپاه صلیبی (همان، ص ۳۶۴)؛ محاصرهٔ طرابلس و بنی‌عمار به دست پادشاه صلیبی بیت‌المقدس در سال ۴۹۶ق. این نبرد نتیجه‌ای برای طرفین نداشت (همان، ص ۳۶۷). در سال ۴۹۷ق، صلیبیان شهرهای «رقه» و «جعبر» را غارت کردند. این شهرها متعلق به سالم‌بن مالک‌بن بدران‌بن المقلد بود که در سال ۴۷۷ق از ملک‌شاه سلجوقی دریافت کرده بود (همان، ص ۳۶۹). در همین سال، سقمان و جکرمش، امرای ارتقی، بر صلیبیان پیروز شدند (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۳۲). در سال ۴۹۸ق طنکری با رضوان حاکم حلب رویارو شد که در این جنگ، مسلمانان شکست سختی خوردند (همان، ص ۲۴۰). در همین سال، شرف‌المعالی با سپاهی متراکم به نبرد صلیبیان عکا رفت که دوطرف از این نبرد سودی نبردند (همان). نبرد طغتنگین با حاکم بیت‌المقدس در سال ۴۹۹، که به پیروزی دمشقیان انجامید (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۴۰۰)؛ تصرف دژ «افامیه» از توابع حلب به دست صلیبیان (همان، ص ۴۰۹)؛ محاصرهٔ سوم طرابلس به دست صلیبیان در این سال که نتیجه‌ای برای دوطرف دربر نداشت، جز آنکه طرابلس تضعیف شد (همان، ص ۴۱۳)؛ و در سال ۵۰۲ق رضوان با تنکری علیه حاکم «موصل جاولی» متحد شد. در این نبرد، حاکم صلیبی انطاکیه پیروز شد (همان، ص ۴۶۴). در این سال، طغتنگین با بغویدین بر سر «عرقه» به نبرد پرداخت که مسلمانان پیروز این جنگ بودند (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۶۰). صلیبیان در اقدامی سریع، این شهر را از طغتنگین پس گرفته، سپاه دمشق را شکست دادند (همان). در سال ۵۰۳ق صلیبیان طرابلس و بیروت را از بنی‌عمار گرفتند، و در پی آن، شهرهای «بانیاس» و «جلیل» را نیز متصرف شدند (همان، ص ۲۶۴). این دومین حکومت مسلمانی بود که به دست صلیبیان منقرض شد.

در سال ۵۰۴ق صلیبیان توانستند شهر بندری صیدا را که تحت حکومت فاطمیان بود، تسخیر نمایند (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۴۷۹). در همین سال، صاحب انطاکیه موفق به فتح «اثارب» و «زردنا» از توابع حلب شد (همان، ص ۴۸۲). روایات اسلامی فتوحات این سال را اوج قدرت صلیبیان در منطقهٔ شام دانسته‌اند.

در سال ۵۰۵ق لشکرکشی سپاه محمد سلجوقی به رها، تل باشر و حلب رخ داد که به سبب کارشکنی حکومت‌های محلی، این لشکرکشی نتیجه‌ای به دنبال نداشت (همان، ص ۴۸۶). محاصرهٔ

صور به دست صلیبیان نیز در این سال رخ داد که مقاومت مردمی مانع سقوط شهر شد. این شهر در تابعیت فاطمیان بود (همان، ص ۴۸۸). در سال ۵۰۶ق مودود، حاکم موصل، به رها حمله کرد که جوسلین این حمله را پیروزمندانه دفع نمود (همان، ص ۴۹۲). در همین سال، بغویدین حوالی دمشق را غارت کرد (همان، ص ۴۹۵). در سال ۵۰۷ق بین حاکم موصل مودود با ایل غازی بن ارتق و امیر طغتنگین اتحادی برقرار شد تا با جوسلین و حاکم بیت‌المقدس رویارو شوند. در این نبرد، که حوالی طبریه رخ داد، مسلمانان پیروز شدند (همان). در سال ۵۰۸ق حاکم جدید موصل، آق سنقر برستی، رها را محاصره نمود، ولی نتیجه‌ای عایدش نشد (همان، ص ۵۰۲). در سال ۵۰۹ق لشکری از سوی سلطان محم برای مقابله با طغتنگین ایلغازی و صلیبیان راهی شام شد که در نتیجهٔ عدم همکاری حکومت شام، این لشکر شکست خورد و بازگشت (همان، ص ۵۱۱). در این سال، طغتنگین «رفینه» را از صلیبیان بازپس گرفت (همان، ص ۵۱۲). در سال ۵۱۱ق صلیبیان روستاهای اطراف «حماه» را غارت کردند و بازگشتند (همان، ص ۵۳۲). سال ۵۱۲ق سال نبردهای آل بوری با صلیبیان بود. در اولین نبرد این سال، آل بوری از صلیبیان شکست خوردند (همان، ص ۵۴۳) و صلیبیان پس از آن اطراف حوران را غارت کردند (همان، ص ۵۴۴). در همین سال، میز ایلغازی بن ارتق، که در این زمان حاکم حلب بود، شکست سختی بر صلیبیان وارد کرد (ابن‌قلانسی، ۱۹۸۵م، ص ۳۱۸). در سال ۵۱۳ق جوسلین به اعراب ربیع در شمال شام حمله برد و از آنها شکست خورد (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۵۵۶). در سال ۵۱۵ق بلک‌بن بهرام حاکم حلب بود و توانست در محاصرهٔ رها کامیاب شود (همان، ص ۵۹۳). در سال ۵۱۷ق صلیبیان با استفاده از کشاکش داخلی حلب، توانستند قلعهٔ «اثارب» را تسخیر کنند (همان، ص ۶۱۰). بلک‌بن بهرام در سال ۵۱۸ق قلعهٔ «منج» را محاصره نمود و سپاه صلیبی را، که به کمک مدافعان قلعه می‌آمدند، شکست داد (همان، ص ۶۱۹). در همین سال، شهر صور از کف خلفای فاطمی رفت و به دست صلیبیان افتاد (همان، ص ۶۲۰). آق سنقر برستی حاکم موصل و جزیره در سال ۵۱۹ق راهی «کفر طاب» شد و آن را از صلیبیان بازپس گرفت (همان، ص ۶۲۸) اما صلیبیان پس از این فتح، در اقدامی تلافی‌جویانه، بر وی حمله برده، سپاه وی را منهزم ساختند (همان). در سال ۵۲۰ق صلیبیان به قصد دمشق راهی سرزمین طغتنگین شدند. در این رویارویی، دمشقیان به شدت مقاومت کردند و سپاه صلیبی را متواری ساختند (همان، ص ۶۳۹). از اقدامات دیگر صلیبیان در این سال، تصرف رفینه از توابع دمشق بود (همان). حملهٔ بغویدین پادشاه بیت‌المقدس به «وادی موسی»، که از توابع فاطمیان بود

(ابن قلانسی، ۱۹۸۵م، ص ۳۴۷) در سال ۵۲۳ق اتحاد صلیبی متشکل از کنت‌نشین‌های انطاکیه، طرابلس و پادشاهی بیت‌المقدس دمشق را محاصره نمود که از مردم دمشق شکست خوردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۶۵۷). اولین رویارویی عمادالدین زنگی با صلیبیان در سال ۵۲۴ق روی داد. در این نبرد، عمادالدین در اطراف حلب، شکست سختی بر صلیبیان وارد نمود (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۳۹). پس از این نبرد، عمادالدین قلعه‌اثراب را نیز از صلیبیان بازپس گرفت (همان، ص ۴۰). عمادالدین در ادامه این پیروزی‌ها، به قلعه «حارم» نیز هجوم برد و بر صلیبیان آنجا باجی معین نمود (همان). در سال ۵۲۷ق بین صلیبیان و شمس‌الدین بوری نبردی روی داد که غلبه از آن مسلمانان بود (ابن قلانسی، ۱۹۸۵م، ص ۳۷۵). در همین سال، امیر اسوار، حاکم عمادالدین در حلب، حمله صلیبیان در اطراف حلب را دفع نمود (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۰، ص ۶۸۵). در همین سال، جمعی از ترکمانان جزیره به کنت‌نشین طرابلس حمله بردند و غارت‌ها کردند (همان، ج ۱۱، ص ۷). امیر اسوار برای تأمین امنیت حلب، در این سال به تل با شر حمله نمود و توانست سپاه صلیبیان را شکست دهد (همان، ص ۸). در سال ۵۲۸ق شمس‌الملوک بوری طبریه و عکا را غارت نمود (ابن قلانسی، ۱۹۸۵م، ص ۳۸۵). در همین سال، دانشمند حاکم ملطیه به صلیبیان شام حمله برد و عده‌ای را به قتل رساند (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۱۷). به نظر می‌رسد با تهاجم‌های عمادالدین، جمعیت صلیبیان رو به کاهش گذاشت و همین موجب تضعیف آنها گردید و از این پس، هر گروه از مسلمانان منطقه به تاخت و تاز در میان صلیبیان پرداخت.

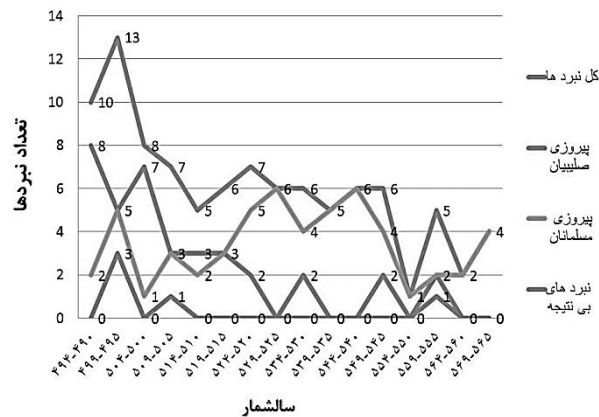
در سال ۵۳۰ق امیر اسوار به «لاذقیه» حمله برد و غارت زیادی نمود (همان، ص ۴۰). در سال ۵۳۱ق امیر بزوش، فرمانده سپاه دمشق، به طرابلس حمله نمود و آنجا را غارت کرد (همان، ص ۵۰). در همین سال، عمادالدین کفر طاب، معره و بعین را از صلیبیان بازپس گرفت (همان، ص ۵۱). در سال ۵۳۲ق بیزانس به همراهی صلیبیان به شیزر حمله کردند که نتیجه‌ای برای آنها دربر نداشت (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۵۵). در سال ۵۳۳ق صلیبیان، «بانیاس» - از توابع حکومت دمشق بر ساحل مدیترانه - را غارت کردند (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۷۲). سال بعد، یعنی ۵۳۴ق، کنت انطاکیه توانست بانیاس را تصرف کند (همان، ص ۷۵). در سال ۵۳۵ق صلیبیان به عسقلان حمله بردند که سربازان فاطمی این حمله را دفع نمودند (ابن قلانسی، ۱۹۸۵م، ص ۴۲۹). در سال ۵۳۶ سپاه اتابک زنگی در حلب به سرزمین صلیبیان حمله برد و در آن به غارت پرداخت (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۹۰). در سال ۵۳۸ق عمادالدین تعدادی از قلعه‌ها و شهرهای جوسلین در شمال شام و دیار بکر را تصرف نمود (همان، ص ۹۴). در سال ۵۳۹ق عمادالدین

زنگی توانست اولین کنت‌نشین صلیبی را در رها از بین ببرد و مناطق صلیبی‌نشین جزیره را تصرف نماید (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۹۶). پس از این فتح، عمادالدین، «بیره» را نیز، که از قلعه‌های جوسلین بود، تصرف نمود (همان، ص ۷۰). پس از مرگ عمادالدین، جوسلین در سال ۵۴۱ قصد بازپس‌گیری رها را داشت که با مقاومت نورالدین محمود زنگی این امر میسر نشد (همان، ص ۸۶). نورالدین محمود یک سال بعد توانست «ارتاح» را به تصرف خود درآورد (ابی‌شامه، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۱۷۳). شوالیه‌های جنگ صلیبی دوم در سال ۵۴۳ق دمشق را محاصره کردند که پیروزی، از آن مسلمانان بود (ابن قلانسی، ۱۹۸۵م، ص ۴۶۳). در همان سال، نورالدین محمود توانست «عریمه» را تصرف نماید (همان، ص ۴۶۷). نورالدین پس از عریمه، «یغری» را به تصرف خود درآورد (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۱۳۴). در سال ۵۴۴ق نبردی بین نورالدین محمود زنگی و کنت انطاکیه روی داد که طی آن، کنت انطاکیه کشته شد و مسلمانان پیروز گردیدند (ابی‌شامه، ۱۹۹۷م، ص ۲۰۴). در همین سال، نورالدین محمود زنگی توانست قلعه افامیه، در نزدیکی حماة را تصرف نماید (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۰۰). در سال ۵۴۶ق جوسلین توانست در غافل‌گیری شبانه بر سپاه نورالدین تاخته، لشکر وی را منهزم سازد (همان، ص ۱۰۱). چندی بعد، در همین سال نورالدین توانست با کمک ترکمانان جوسلین را اسیر کند (همان، ص ۱۰۲). در سال ۵۴۷ق در نبردی نورالدین صلیبیان را در دلوک شکست داد (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۱۶۴). صلیبیان در سال ۵۴۸ق توانستند عسقلان را از فاطمیان گرفته، تسخیر نمایند (همان، ص ۱۸۹). در سال ۵۴۹ق نورالدین محمود تل با شر را به تصرف خود درآورد (همان، ص ۱۹۹) در سال ۵۵۱ق نورالدین محمود با محاصره «حارم» صلیبیان را وادار کرد تا نیمی از خراج حارم را به وی بدهند (همان، ص ۲۰۸). در سال ۵۵۶ق تعدادی از صلیبیان بر سر راه فرستاده‌های نورالدین کمین کرده، آنها را کشتند (همان، ص ۲۸۰). در سال ۵۵۷ق نورالدین حارم را دوباره در محاصره گرفت، اما این بار از محاصره آن طرفی نیست و صلیبیان نیز یاری مقابله با وی را نیافتند (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۱۶). در سال ۵۵۸ق نورالدین هنگام حمله به «حصن الاکراد»، از صلیبیان شکست خورد (همان، ص ۱۱۹). در سال ۵۵۹ق نورالدین سرانجام توانست حارم را تصرف نماید (همان، ص ۱۲۳). پس از حارم «بانیاس» نیز به‌دست نورالدین فتح شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۳۰۵). در سال ۵۶۱ق «منیطره» نیز به‌دست نورالدین محمود فتح گردید (ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۳۱). در سال ۵۶۲ق نورالدین با استفاده از غفلت صلیبیان در مصر، به «صافیثا» و «عریمه» حمله برد و آنها را متصرف شد (ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۱۱، ص ۳۲۷). در سال ۵۶۵ق نورالدین برای رهایی نیروهایش از دست صلیبیان در مصر و در تنگنا قرار دادن صلیبیان، «کرک» را محاصره نمود و تعدادی از شهرهای صلیبیان را

در دسته‌بندی‌های ۵ ساله نبردها این نتیجه به دست می‌آید:

ردیف	سال	تعداد کل نبردها	پیروزی صلیبیان	پیروزی مسلمانان	نبردهای بی نتیجه
۱	از ابتدای ۴۹۰ تا پایان ۴۹۴	۱۰ نبرد	۸	۲	۰
۲	۴۹۵-۴۹۹	۱۳	۵	۵	۳
۳	۵۰۰-۵۰۴	۸	۷	۱	۰
۴	۵۰۵-۵۰۹	۷	۳	۳	۱
۵	۵۱۰-۵۱۴	۵	۳	۲	۰
۶	۵۱۵-۵۱۹	۶	۳	۳	۰
۷	۵۲۰-۵۲۴	۷	۲	۵	۰
۸	۵۲۵-۵۲۹	۶	۰	۶	۰
۹	۵۳۰-۵۳۴	۶	۲	۴	۰
۱۰	۵۳۵-۵۳۹	۵	۰	۵	۰
۱۱	۵۴۰-۵۴۴	۶	۰	۶	۰
۱۲	۵۴۵-۵۴۹	۶	۲	۴	۰
۱۳	۵۵۰-۵۵۴	۱	۰	۱	۰
۱۴	۵۵۵-۵۵۹	۵	۲	۲	۱
۱۵	۵۶۰-۵۶۴	۲	۰	۲	۰
۱۶	۵۶۵-۵۶۹	۴	۰	۴	۰
	تعداد کل از سال ۴۹۰ تا ۵۶۹ = ۷۹ سال	۹۷	۳۷	۵۵	۵

جدول (۲): نبردهای مسلمانان و صلیبیان از سال ۴۹۰ تا ۵۶۹ق



نمودار (۱): نبردهای مسلمانان و صلیبیان از سال ۴۹۰ تا ۵۶۹ق

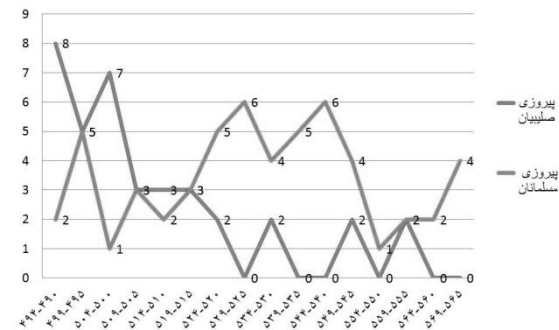
همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، با گذشت زمان، تعداد پیروزی صلیبیان رو به کاهش گذاشت. در مقابل، پیروزی مسلمانان سیر صعودی داشت.

تاراج کرد (همان، ص ۳۵۳). در همان سال، الیاس بن ایلغازی به دسته‌ای از شوالیه‌های صلیبی برخورد نمود و آنها را منهزم ساخت (همان). در سال ۵۶۷ق به سبب نقض عهد صلیبیان، نورالدین شهرهای آنها را تاراج نمود (همان، ص ۳۷۴). در سال ۵۶۸ق صلیبیان به قصد غارت حوران به اطراف دمشق تاختند که پس از رویارویی با سپاه نورالدین ناکام بازگشتند (همان، ص ۳۸۶). خلاصه نبردها:

- الف. سلجوقیان حلب: از مجموع ۵ نبرد، ۵ پیروزی برای صلیبیان؛
- ب. سلجوقیان دمشق: از مجموع ۲ نبرد، ۱ پیروزی برای صلیبیان و ۱ پیروزی برای مسلمانان؛
- ج. امیر یاغیسیان در انطاکیه: از مجموع ۲ نبرد، ۲ پیروزی برای صلیبیان و از بین رفتن حکومت یاغیسیان در شام؛
- د. آل بوری: از مجموع ۱۵ نبرد، ۷ پیروزی برای صلیبیان و ۸ پیروزی برای مسلمانان؛
- ه. ارتقیان حلب: از مجموع ۴ نبرد، ۱ پیروزی برای صلیبیان و ۳ پیروزی برای مسلمانان؛
- و. حکام موصل: از مجموع ۸ نبرد، ۵ پیروزی برای صلیبیان و ۲ پیروزی برای مسلمانان و ۱ نبرد بی نتیجه؛
- ز. اتابکان زنگی: از مجموع ۳۴ نبرد، ۳ پیروزی با صلیبیان و ۲۸ پیروزی از آن زنگیان و ۱ نبرد بی نتیجه؛
- ح. بنی منقذ: از مجموع ۱ نبرد، ۱ پیروزی برای مسلمانان؛
- ط. بنی عمار: از مجموع ۶ نبرد، ۴ پیروزی برای صلیبیان و ۲ نبرد بی نتیجه؛ این سلسله به دست صلیبیان از بین رفتند.
- ی. فاطمیان: از مجموع ۱۳ نبرد، ۷ پیروزی برای صلیبیان و ۵ پیروزی برای مسلمانان و ۱ نبرد بی نتیجه؛
- ک. حکومت‌های غیرشامی و قبایل: از مجموع ۷ نبرد، ۲ پیروزی برای صلیبیان و ۵ پیروزی برای مسلمانان.

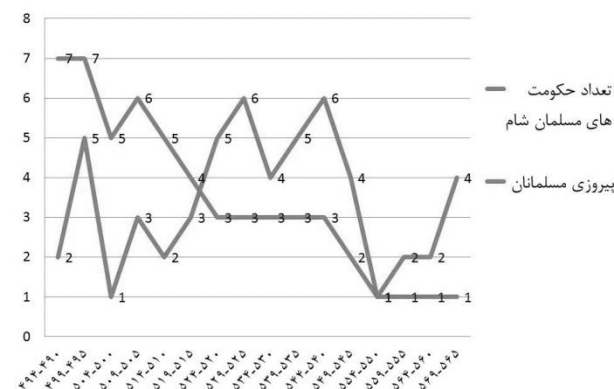
تعداد پیروزی‌های مسلمانان در جنگ‌های صلیبی

صلیبیان از قریب سال ۴۹۱ق، وارد سرزمین شام شدند (ابن قلانسی، ۱۹۸۳م، ص ۲۲۰). جنگ‌جویان اروپایی از این زمان تا سال ۵۶۹ق، ۹۷ بار با مسلمانان رویارویی نظامی پیدا کردند. از این تعداد، ۳۷ پیروزی از آن صلیبیان بود. ۵۵ پیروزی نسبی مسلمانان شد و ۵ نبرد نیز بی نتیجه بود. توجه به روند نبردها نشانگر آن است که در ابتدای ورود صلیبیان به جهان اسلام، غالب پیروزی‌ها از آن صلیبیان بود و با گذشت زمان، به تدریج، پیروزی‌های دوطرف برابر شد و سپس مسلمانان غالباً در نبردها پیروز شده‌اند.



نسبت پیروزی‌ها با تعداد حکومت‌ها

در ابتدای ورود صلیبیان به جهان اسلام، هفت قدرت فعال سیاسی در منطقه شام حضور داشت. این تشتت و پراکندگی قدرت بین دولت‌های محلی موجب گردید مسلمانان نتوانند واکنشی به موقع از خود در مقابل صلیبیان انجام دهند. در نتیجه، در جنگ‌های اولیه، متحمل شکست‌های زیادی شدند. به تدریج، هر قدر از تعداد حکومت‌های محلی و کوچک‌تر منطقه کاسته شد، تعداد پیروزی‌های مسلمانان نیز بیشتر گردید. این امر به آن سبب بود که حذف دولت‌های کوچک‌تر موجب افزایش و تمرکز قدرت در دست حاکمان مسلمان شام می‌شد. بنابراین، می‌توان رابطه‌ای معکوس بین تعداد حکومت‌های شام با تعداد پیروزی‌های مسلمانان در برابر صلیبیان یافت. بدین سان، هر قدر حکومت‌های مسلمان منطقه کمتر بود پیروزی بیشتری از آن مسلمانان می‌گردید و رابطه‌ای مستقیم بین تعداد حکومت‌های مسلمانان و کامیابی صلیبیان وجود دارد. بدین‌رو، هر قدر حکومت مسلمان شام بیشتر بود پیروزی صلیبیان نیز بیشتر بود.



نمودار (۳): مقایسه تعداد حکومت‌های مسلمانان و شام با تعداد پیروزی‌های آنها در سال‌های ۴۹۰ تا ۵۶۹ق

همان‌گونه که در نمودار (۳) مشاهده می‌شود، در آستانه روی کار آمدن «اتابکان زنگی» در سال ۵۲۱ق، بین مسلمانان و صلیبیان توازن قوا پدیدار شد و با تشکیل حکومت اتابکان زنگی، قوای اسلامی بر قوای مسیحی برتری پیدا کرد. یکی از سیاست‌های مهم عمادالدین زنگی حذف دولت‌های کوچک‌تر بود که وی با جدیت تمام، در پی آن بود. در دوره وی نیز پیروزی‌های مسلمانان به اوج خود رسید (سال‌های ۵۲۱ تا ۵۴۱ ق). سیاست حذف دولت‌های محلی توسط فرزندان عمادالدین، سیف‌الدین غازی و نورالدین محمود زنگی نیز دنبال گردید، تا جایی که سرانجام، تنها دولت مسلمان شام اتابکان زنگی بود (سال ۵۵۲ به بعد). با وجود آنکه صلیبی‌ها پس از عمادالدین در نبردهای اندکی کامیاب شدند، اما اتابکان زنگی توانستند قدرت خود را بر آنها تحمیل نمایند. علاوه بر آن، در اواخر حکومت نورالدین، بی‌زانس نیز فعالانه به دخالت در امور سیاسی شام می‌پرداخت و این امر موجب ایجاد توازن قوا بین دولت‌های اسلامی و مسیحی می‌گردید، ولی این امر توفیقی برای صلیبیان در برابر قدرت متمرکز شام به وجود نیاورد.

نتیجه‌گیری

منطقه شام به علل جغرافیایی، ظرفیت پراکندگی سیاسی زیادی دارد. حضور قبایل سلجوقی و ترکمان و نیز حکومت فرماندهان معارض و متخاصم در بخش‌های آن بر تشتت و تفرقه سیاسی منطقه می‌افزود. رهاورد این تفرقه سیاسی، تضعیف قوای مسلمانان در شام بود که فتوحات را برای صلیبیان آسان می‌نمود. جنگ‌های داخلی و جنگ با صلیبیان، حکومت‌های مسلمانان منطقه را تضعیف کرد و به تدریج، منجر به حذف ضعیف‌ترها شد و منطقه از تکرار حکومت‌ها به وحدت رسید. طبق مطالعه سال‌شمار وقایع، تعداد پیروزی‌های صلیبیان در سال‌های نخستین حملات آنها زیادتر از پیروزی‌های مسلمانان بود و با گذشت زمان، هر قدر از تعداد حکومت‌های اسلامی شام کاسته شد، پیروزی‌های مسلمانان افزون‌تر گردیده و بعکس، پیروزی‌های صلیبیان کاهش یافت. از این‌رو، می‌توان رابطه معکوسی میان تعداد حکومت‌های مسلمان شام با تعداد پیروزی‌های آنها یافت. دلیل معناداری این رابطه معکوس نیز آن است که هر قدر تعداد حکومت‌ها کمتر شود قوای نظامی و اقتصادی منطقه انسجام بیشتری دارد و در درگیری‌های داخلی تضعیف نمی‌شود و برای مقابله با دشمن، کارا تر است. وحدت رویه سیاسی در برابر دشمن نیز بر تشتت سیاسی برتری دارد.

منابع

ابن اثیر، علی بن محمد، بی تا، *التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیة بالموصل*، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره، دارالکتب الحدیثه.

—، ۱۹۶۵م، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.

ابن شداد، أبوالمحسن بهاء‌الدین یوسف بن رافع الأسدی الموصلی، ۱۹۹۴م، *النوادر السلطانیة والمحاسن الیوسفیة* (سیره صلاح‌الدین الأیوبی)، تحقیق جمال‌الدین الشیال، قاهره، مکتبه الخانجی.

ابن عبدالحق بغدادی، صفی‌الدین عبدالمؤمن، ۱۴۱۲ق، *مرآة صفاة الاطلاع علی اسماء الامکنة و البقاع*، بیروت، دار الجیل.

ابن عجمی، احمد بن ابراهیم، ۱۴۱۷ق، *کنوز الذهب فی تاریخ حلب*، حلب، دارالقلم.

ابن عدیم، عمر بن احمد العقیلی، بی تا، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، تحقیق سهیل زکار، بی جا، دارالفکر.

—، ۱۹۹۶م، *زبده الحلب فی تاریخ حلب*، تحقیق خلیل المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة.

ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، ۱۴۱۵ق، *تاریخ مدینة دمشق*، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالفکر.

ابن عماد، شهاب‌الدین عبدالحق بن احمد العکری، ۱۹۸۶م، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، تحقیق الأرنؤاوط، بیروت، دار ابن کثیر.

ابن فلاذسی، حمزة بن أسد بن علی بن محمد أبوعلی التیمی، ۱۹۸۳م، *تاریخ دمشق ابن فلاذسی* (ذیل تاریخ دمشق)، تحقیق سهیل زکار، دمشق، دار حسان.

ابن واصل، جمال‌الدین بن سالم، ۱۳۸۳، *تاریخ ایوبیان*، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، علمی و فرهنگی.

ابی شامه، شهاب‌الدین عبدالرحمن، ۱۹۹۷م، *عیون الروضتین فی اخبار الدولتین النوریة و صلاحیه*، تصحیح ابراهیم الزبیق، بیروت، مؤسسه الرسالة.

احمد عوض، محمد مونس، ۲۰۰۰م، *الحروب الصلیبیة العلاقات بین الشرق و الغرب*، قاهره، عین للدراسات و البحوث الانسانیة و الاجتماعیة.

بارکر، ارنست، بی تا، *الحروب الصلیبیة*، ترجمه سید الباز العربنی، بیروت، دار النهضة العربیة.

با سورت، ادموند کلیفورد، ۱۳۸۱، *سلسله‌های اسلامی جدید راهنمای گاه‌شماری و تبار شناسی*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز باستان‌شناسی اسلام و ایران.

بنداری اصفهانی، فتح‌بن علی، ۲۵۳۶ (۱۳۵۶)، *تاریخ سلسله سلجوقی*، مترجم محمدحسین جلیلی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

الحریری، احمد بن علی، ۱۳۷۱، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، تحقیق علی دیار الم سلمین، ترجمه عبدالله نا صری طاهری، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد.

حموی بغدادی، یاقوت، ۱۹۹۵م، *معجم البلدان*، بیروت، دار صادر.

—، ۱۳۸۰، *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی.

شبارو، عصام محمد، ۱۹۹۴م، *السلطین فی المشرق العربی معالم دورهم السیاسی و الحضاری*، بیروت، دار النهضة العربیة.

صلابی، علی محمد، ۲۰۰۶م، *الدولة الزنکیة و نجاح المشروع الاسلامی بقيادة نورالدین محمود الشهید فی مقاومه تغلغل الباطنی و الغزو الصلیبی*، بیروت، دارالمعرفة.

ضامن، محمد، ۱۹۸۸م، «منطقه تاریخ الحلب حکم قسیم الدوله آق سنقر ۴۷۹ – ۴۸۷ه.ق/ ۱۰۸۶ – ۱۰۹۴م»، *دراسات تاریخیة*، ش ۲۹ و ۳۰، ص ۱۸۹ – ۲۱۰.

عاشور، سعید عبدالفتاح، بی تا، *مصر و الشام فی عصر الایوبیین و الممالیک*، بیروت، دار النهضة العربیة.

عودی، ستار، ۱۳۸۷، *تاریخ فشرده جنگ‌های صلیبی*، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر و ارتباطات.

الغزی، کامل بن حسین البالی، ۱۴۱۹ق، *نهر الذهب فی تاریخ حلب*، حلب، دارالقلم.